

مردی برای تمام فصول

سرزمین توس ناحیه‌ای از خراسان بزرگ است که خاستگاه دانشورانی بزرگ و تاریخ‌ساز بوده است. خواجه نصیرالدین مشهور به محقق توسی؛ حکیم و دانشمند بزرگ جهان در سال ۵۹۷ هجری در شهر توس دیده به جهان گشود. او دانشمند بزرگ و نویسنده معروف و حمایت‌کننده علوم و عالمان در قرن هفتم هجری است. اصلش راز جهرود ساوه یا قم دانسته‌اند. تحت نظر پدرش که فقیه و عالم بود تربیت یافت و از کودکی به تحصیل دانش‌های ادبی و عقلی پرداخت. پس از آن به توصیه پدر، نزد دایی اش «نورالدین علی بن محمد شیعی» که از دانشمندان نامور در ریاضیات، حکمت و منطق بود، به فراگیری آن علوم پرداخت. عطش علمی وی نزد دایی اش چندان بر طرف نشد و به همین دلیل باره‌نمایی پدر در محضر «کمال‌الدین محمد حاسب» که از دانشوران نامی در ریاضیات بود، به تحصیل پرداخت اما هنوز چند ماهی نگذشته بود که استاد قصد سفر کرد. می‌گویند او به پدرش گفت: من آنچه می‌دانستم به او (خواجه نصیر) آموختم و اکنون سؤال‌هایی می‌کند که گاه پاسخش را نمی‌دانم!

گرچه او موفق به فراگیری مطالب جدیدی از استاد نشد، اما هوش و استعداد وافرش شگفتی و تعجب استاد را برانگیخت به گونه‌ای که به او توصیه کرد تا به منظور کسب دانش بیشتر به نیشابور مهاجرت کند. از استادان او معین‌الدین سالم و کمال‌الدین موصلی و فریدالدین نیشابوری را می‌توان نام برد.

بعد از حمله چنگیز به قلعه‌های اسماعیلیان پناه برد و به خواهش محتشم قهستان که مردی دانشمند بود کتاب الطهاره ابوعلی مسکویه را به پارسی ترجمه کرد و آن را اساس تالیف کتاب اخلاق ناصری قرار داد. نصیرالدین طوسی حدود ۲۶ سال در قلعه‌های اسماعیلیه بسر برد اما در این دوران لحظه‌ای از تلاش علمی باز ننشست و کتاب‌های متعددی از جمله «شرح اشارات ابن سینا»، «تحریر اقلیدس»، «تولی و تبری» و «اخلاق ناصری» و چند کتاب و رساله دیگر را تالیف کرد. خواجه در پایان کتاب شرح اشارات می‌نویسد: «بیشتر مطالب آن را در چنان وضع سختی نوشته‌ام که سخت‌تر از آن ممکن نیست و بیشتر آن را در روزگار پریشانی فکر نگاشتم که هر جزئی از آن، ظرفی برای غصه و عذاب دردناک بود و پشیمانی و حسرت بزرگی همراه داشت و زمانی بر من نگذشت که از چشمانم اشک نریزد و دلم پریشان نباشد و زمانی پیش نمی‌آمد که دردهایم افزون نگردد و غم‌هایم دو چندان نشود...»

از آنجا که وجود اسماعیلیان حاکمیت و قدرت سیاسی مغولان را به خطر می‌انداخت هلاکو خان در سال ۶۵۱ ق. با اعزام لشکری به قهستان آنجا را فتح کرد. حاکم قلعه پس از مشورت با خواجه نصیر، علاوه بر تسلیم کامل قلعه، از مغولان اطاعت کرد و چندی پس از آن در سال ۶۵۶ ق. تاج و تخت اسماعیلیان در ایران بر چیده شد و بدین سان خواجه نصیر بزرگ‌ترین گام را در جلوگیری از جنگ و خونریزی و قتل عام مردم برداشته، از این رو نزد خان مغول احترام و موقعیت ویژه‌ای یافت. بعد از فتح بغداد در سال ۶۵۷ با همکاری جماعتی از ریاضی‌دانان بزرگ زمان رصدخانه مراغه راه‌اندازی کرد و با استفاده از عایدات او قاف قلمرو ایلخانی توانست در مراغه یک مرکز بزرگ علمی تشکیل دهد و در آن کتابخانه‌ای عظیم با حدود چهار صد هزار کتاب به وجود آورد. وی رصدخانه مراغه را بایش از ۱۲ دستگاه و ابزار نجومی جدید؛ با ابتکار خود ساخت که از شاهکارهای مراکز علمی جهان در قرون وسطی بود. بعدها تیکو براهه منجم هلندی با تقلید از او رصدخانه اوزانین برگ را برپا نمود. خواجه نصیر بر تمامی علوم زمان خود احاطه داشته و در بسیاری از آنها سرآمد بود و حالت رهبری و پیشوایی آن علم را داشت. او مردی کریم و بخشنده و خوش‌برخورد بود. علاوه بر آنچه گفته شد شاید بتوان به‌طور بسیار خلاصه خدمات این دانشمند بزرگ را به شرح زیر عنوان کرد:

انجام کارهای علمی و فرهنگی و نگارش کتاب‌های ارزشمند. جلوگیری از به‌آتش کشیدن کتابخانه بزرگ حسن صباح در قلعه الموت به دست مغولان. نجات جان دانشمندان و علمایی همچون ابن ابی‌الحدید (شارح نهج البلاغه) و برادرش موفق الدوله و عظاملک جوینی که بی‌رحمانه مورد غضب و خشم مغولان قرار گرفته بودند. خواجه نصیر حدود ۸۰ کتاب و رساله درباره ریاضیات؛ نجوم؛ فلسفه؛ تفسیر و مسایل اجتماعی نوشت و از کارهای معروف او در علوم؛ وضع مثلثات و قضایای هندسه کروی؛ تفهیم بی‌نهایت کوچک‌ها و تکمیل نظریه ارشمیدس است. از جمله کتاب‌های او در منطق اساس الاقتباس، مقولات عشر و قاطیغوریاس در حکمت نظری؛ رساله اثبات واجب، جبر و قدر، تذکره آغاز و انجام رساله فی النفی و الاثبات در حکمت عملی؛ اخلاق ناصری، نصیحت‌نامه، اخلاق محتشمی در ریاضیات و نجوم؛ رساله در حساب، رساله معینیه در هیئت، حل مشکلات معینیه، شرح ثمره بطلمیوس، ترجمه صورالکواکب عبدالرحمن صوفی، سی فصل در تقویم، ذیح ایلخانی، بیست باب در اسطرلاب در مسایل دینی، فصول نصیری، رساله در تولا و تبر او در طبیعیات؛ تنسوق‌نامه، علاوه بر اینها رساله معیارالاشعار در عروض فارسی و شرح فتح بغداد و اوصاف الاشراف را می‌توان نام برد.

علامه حلی (شاگرد وی) از او به عنوان استاد بشریت یاد می‌کند. بروکلمن آلمانی می‌گوید وی از مشهورترین دانشمندان قرن هفتم و برترین مولفان این قرن به‌طور مطلق است. جامعه علمی جهان به پاس خدمات و تلاش‌های این دانشمند بزرگ در علم ریاضی و نجوم نامش را بر کره‌ماه ثبت نمود. این حکیم سرانجام در سال ۶۷۲ هجری در شهر بغداد درگذشت.